

درآمدی بر تاریخ حدیث شیعه بحرین در عصر حضور

مهدی سلیمانی آشتیانی^۱

مهدی فرمانیان^۲

چکیده

نگاهی گذرا به تاریخ حدیث در بحرین نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی هم چون وجود راویان و محدثان چشم‌گیر، تدوین آثار و کتاب‌های حدیثی، شکل‌گیری اندیشه تأثیرگذار و وجود مدارس و محافل نقل حدیث - که همه از شاخصه‌های صدق عنوان یک مرکز حدیثی است - در میان بحرینی‌ها و قبیله عبد القیس بحرین، وجود داشته است. حدود صد و بیست نفر از بحرینی‌ها از راویان و محدثان امامان شیعه بوده‌اند و در گستره حدیث پژوهی شیعی نقش ایفا کرده‌اند و فعالیت حدیثی و عنایت به مباحث مربوط به آن در طول قرن‌ها ادامه داشته است. کثرت روایات نقل شده توسط این راویان نیز حایز اهمیت و بررسی است. جست و جوی زمان آغاز فعالیت‌های حدیثی، و فراز و فرود آن در گستره زمانی حضور و حیات امامان شیعه، آثار و مصنفات این راویان، روابط آنها با دیگر حوزه‌ها و مناطق حدیثی شیعه و اهل سنت، و این که راویان بحرین، بیشتر دارای چه روی کردی در نقل کلمات ائمه بوده‌اند، موضوع این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ حدیث شیعه، راویان بحرانی، بحرین، عبد القیس.

۱. درآمد

در تاریخ حدیث، به عنوان شاخه‌ای از علوم حدیث، مطالعه جغرافیای رخدادهای حدیثی، دارای جایگاهی استوار است. در این نوع تحقیق، یک حوزه جغرافیایی بررسی

۱. دانشجوی دکتری شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب.

۲. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

می‌گردد و به تحولات حدیثی در آن ظرف مکانی، نگریسته می‌شود. از این‌گونه مطالعات شاید بتوان به عنوان پژوهش در «مراکز حدیثی» یاد کرد.

با گزارش‌هایی که در این نوشتار می‌آید، بحرین را باید از مراکز حدیثی شیعه به شمار آورد. بحرین در سده‌های میانی (چهارم، پنجم و ششم) شاهد نوعی نص‌گرایی در میان محدثان بوده است. در سده‌های یازدهم و دوازدهم و بعد از آن نیز اخباری‌گری وجه غالب محدثان بحرین است. ولی آیا نص‌گرایی سده‌های میانی و اخباری‌گری قرون اخیر، می‌تواند ریشه در میراث روایی و روی کرد راویان قرون گذشته این منطقه داشته باشد؟ به عبارتی، آیا رویکرد محدثان نص‌گرا و حدیث‌پژوهان اخبار‌گرای بحرین را می‌توان در پیشینه تاریخ حدیث این منطقه جست و جو نمود؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا لازم است راویان بحرینی و روی کرد آنها را شناخت و نوع روایاتشان را گونه‌شناسی نمود.

شناسایی این راویان و حوزه‌های مورد علاقه ایشان در واقع نمایان‌دهنده بخشی از حلقه‌های مفقود در تدوین تاریخ مراکز و حوزه‌های حدیثی و در نهایت تکمیل تاریخ جامع حدیث شیعه است. در خصوص بحرین نیز اگر چه نسبت به قرون اخیر آن تحقیق‌های پراکنده‌ای صورت گرفته است،^۳ ولی سده‌های نخستین حضور اسلام و تشیع در میان مردم بحرین و میزان تأثیر و تأثر راویان و محدثان این دوره کمتر مورد توجه بوده است. حتی گاهی، پیشینه حضور شاگردان و راویان امامی و به عبارتی، تشیع در بحرین قدیم - که احساء و قطیف سعودی امروزی را نیز شامل می‌شد - را برخی نویسندگان سعودی انکار کردند. از این دید، شناسایی میراث کهن حدیثی این منطقه در واقع، اثبات حضور شیعیان نخستین در همان عصر حضور ائمه در میان بحرینی‌ها است.

منظور از عصر حضور نیز بازه زمانی امامت امام علی علیه السلام تا آغاز غیبت صغری (۲۶۰ ق)

است.

مهم‌ترین منبع برای شناسایی حدیث‌پژوهان بحرینی شیعه، کتاب‌های هشت‌گانه

۳. مهتدی بحرانی در *علماء البحرین دروس و عبر*، ۲۷۰ نفر از شخصیت‌های شیعی بحرین را معرفی کرده است. قبیله بنی‌عبدالقیس از علی کورانی و عبد الهادی ربیعی - که در جست و جوی حضور فرهنگ و آموزه‌های تشیع در میان قبیله عبد القیس و خدمات آنها به مکتب اهل بیت علیهم السلام بوده است - وهم چنین، اعلام هجر من الماضین والمعاصرین از هاشم محمد الشخص، به صورت گسترده‌تری به معرفی رجال و بزرگان و دانشمندان بحرین قدیم پرداخته‌اند. این کتاب‌ها یا در مقام استقصا نبوده‌اند و یا برخی نیز فقط به دنبال لفظ بحرانی بوده و موفق به گردآوری درستی از رجال الحدیث از قبیله عبد القیس و بحرین نشده‌اند.

اصلي رجال است که از بين آنها نیز رجال الطوسی (م ۴۶۰ ق) اثرگذارترین کتاب رجالی در شناسایی راویان و رجال بحرین در عصر حضور ائمه عليهم السلام است.

این کتاب به عنوان نمونه، نام حدود چهل نفر از راویان بحرینی را که در کوفه ساکن بوده‌اند، ذکر کرده است. البته از آن جا که شیخ، همه راویان ائمه عليهم السلام را از شیعه و عامه نقل کرده است، سعی شده علاوه بر رجال الطوسی، به رجال النجاشی نیز استناد شود؛ علاوه بر این که خواهیم گفت که اصل در مذهب افراد قبیله عبد القیس تشیع و علاقه به اهل بیت عليهم السلام است.

۱.۱. درباره بحرین

درباره واژه «بحرین» از دو جهت ابهام و اختلاف وجود دارد: ابتدا در این که مبدأ اشتقاق بحرین از چه کلمه‌ای بوده که لغت دانان مباحثی نقل کرده‌اند و قول مشهور این است که از لغت «بحر» گرفته شده است.^۴

اگر بنا بر مشهور، بحرین را مشتق از «بحر» و تشبیه آن دانستیم،^۵ با توجه به این که در موقعیت امروز این سرزمین، دریایی غیر از خلیج فارس وجود ندارد، لازم است برای وجه تسمیه بحرین، به دنبال دریا یا شبه دریایی در این منطقه باشیم. همدانی در صفة جزیره العرب گفته است:

بحرین را به سبب دو رودخانه اش مُحَلَّم و عین الجریب، به این نام خوانده‌اند.^۶

پیش از اسلام و تا حدود قرن هفتم هجری قمری به همه سرزمین‌های ساحل جنوبی خلیج فارس، بین بصره و عُمان، «بحرین» اطلاق می‌شده است.^۷ از این رو، بحرین قدیم یا ناحیه قدیمی بحرین - که دامنه جغرافیای این پژوهش است - شامل: کویت، احساء، قطر و نیز مجمع الجزایر بحرین کنونی می‌شود.

۱-۲. صحابه بحرینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سابقه تشیع بحرینی‌ها

نام حدود چهل نفر از مردم بحرین در زمره صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قابل شناسایی

۴. الصحاح، ج ۵، ص ۲۱۰؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۰۳.

۵. معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۴۷.

۶. صفة جزیره العرب، ص ۲۵۱.

۷. کتاب العین، ج ۳، ص ۲۲۰؛ تهذیب اللغة، ج ۵، ص ۴۰؛ صحاح اللغة، ج ۲، ص ۵۸۵.

است. قبایلی چون عبد القیس، بکر بن وائل، تمیم، ازد و دیگرانی در این منطقه حضور داشته‌اند و با توجه به کتب انساب و تراجم مخصوص صحابه، می‌توان افراد زیادی از این قبیله‌ها را - که به اسلام گرویدند - و پیامبر را ملاقات کرده‌اند، تشخیص داد.^۸

از آنجا که معمول قبایل بزرگ عرب دارای مناطق سکوت وسیعی بوده‌اند و در بسیاری موارد، بین چند محل از یک قبیله حضور داشته‌اند، جست و جوی صحابه از طریق قبایل مشکل است؛ به عنوان مثال، محل سکونت بکر بن وائل از یمامه تا بحرین و سپس تا دیار بکر عراق، امتداد داشته است.^۹

با این وجود، نمی‌توان هر کس از افراد این قبیله را که نامش در صحابه یا روایت باشد، اهل بحرین دانست و تشخیص آنها نیز کار پرمشقت و دامنه‌داری است که در بیشتر موارد نیز به ثمر نخواهد رسید.

از میان قبایل ساکن در بحرین، «عبد القیس» - که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بوده‌اند - دارای حدود و مرزهای جغرافیای مشخصی است که کاملاً در منطقه بحرین است.^{۱۰} در نتیجه، همه کسانی را که منسوب به این قبیله هستند، می‌توان اهل بحرین به شمار آورد. برای انتساب افراد به قبیله عبد القیس نیز سمعانی گفته است:

العبدی ... هذه النسبة الى عبد القيس في ربيعة بن نزار و المنتسب اليه مخير بين ان يقول: عبدی او عبقرسى.^{۱۱}

قبیله عبد القیس به تشیع و همراهی با امام علی علیه السلام نیز معروف بوده‌اند. برای تشیع ایشان به کلام ابن قتیبہ در ترجمه صحار عبدی می‌توان استشهاد نمود که نوشته است:

وكان عثمانياً و كانت عبد القيس تتشيع فخالفها.^{۱۲}

بشربن منقذ (الاعور الاثني) از بنی شن از عبد القیس، اشعاری در محبت امیرالمؤمنین علیه السلام دارد.^{۱۳}

۸. این‌که بعضی نویسندگان و تاریخ‌پژوهان بحرین، در تاریخ محدثین و صحابه بحرین، تنها لفظ «بحرانی» را جست و جو نموده‌اند و عده کمی را معرفی کرده‌اند، خالی از دقت لازم است (رک: علماء البحرین دروس و غیر).
 ۹. رک: الخراج وصناعة الكتابة، ص ۲۷۸؛ معجم ما استعجم من أسماء البلاد والمواضع، ج ۱، ص ۸۶.
 ۱۰. تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ق ۱، ص ۳۰۰؛ معجم قبائل العرب، ج ۲، ص ۷۲۶.
 ۱۱. الأنساب، ج ۴، ص ۱۳۵؛ جمهرة النسب، ص ۵۸۲؛ المعارف، ص ۹۲.
 ۱۲. المعارف، ص ۳۳۹؛ الغارات، ج ۲، ص ۷۸۵.
 ۱۳. خزائن الادب، ج ۲، ص ۱۵۶ (به نقل از: قبيلة بنو عبد القيس، ج ۳، ص ۷۸).

قبیله عبد القیس در جنگ‌های سه‌گانه حضرت، در کنار ایشان حضور چشم‌گیری داشته‌اند.^{۱۴} هم‌چنین، امام صادق وقتی به کوفه رفتند در میان یکی از قبایل عبد القیس وارد شدند.^{۱۵}

۲. راویان بحرین

۲-۱. برجسته‌ترین راویان

نزدیک به یک صد و بیست نفر از روایات بحرینی از لا به لای کتب رجال حدیث بازشناسی شده‌اند. در این نوشتار در صدد معرفی آنها نیستیم و تنها به ذکر برخی از ایشان که به نوعی تأثیرگذار بوده‌اند و یا به جهت کثرت روایات دارای اهمیت هستند (به ترتیب زمانی ائمه اطهار علیهم‌السلام) بسنده می‌کنیم.

از این افراد، خِلاس بن عمرو هَجَری بصری از راویان و شرطه امیرالمؤمنین علیه‌السلام از مردم بحرین و قبیله عبد القیس است. او از روایات و رجال صحیح البخاری است که ابن حنبل و دیگران او را توثیق کرده‌اند.^{۱۶} ابن ماکولا از وی با عبارت «کان فقیهاً من اصحاب علی بن ابی طالب» یاد کرده است.^{۱۷} از ابوحاتم رازی و دیگران نقل شده است که صحیفه‌ای از آن حضرت در اختیار خِلاس بوده است.^{۱۸} نیز گفته شده او «صحفی» بوده است و همین را دلیل ضعف او دانسته‌اند.^{۱۹} ابن سعد نقل می‌کند که: «کانت له صحیفه یحدث عنها».^{۲۰} ظاهراً حدود سال یک صد هجری در گذشته است.^{۲۱}

صعصعة بن صوحان عبدی از اصحاب خاص امام علی علیه‌السلام است.^{۲۲} به نقل کشی، امام صادق در حق صعصعه فرمود:

۱۴. به عنوان مثال، در جنگ جمل سه هزار نفر یا بیشتر از این قبیله در رکاب حضرت بوده‌اند (رک: انساب الاشراف، ص ۲۳۷).

۱۵. تاریخ الکوفه، ص ۴۰۸. برای سابقه تشیع بحرین ر.ک: «تشیع و پیشینه آن در بحرین»، مهدی سلیمانی آشتیانی، شیعه شناسی، تابستان ۹۲.

۱۶. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۵۸، ش ۲۵۳۲.

۱۷. اکمال الکمال، ج ۱، ص ۹۹؛ الاصابه، ج ۵، ص ۱۱۹، ش ۶۵۳۱، ذیل نام عمرو بن المنذر (پدر خِلاس).

۱۸. مقدمه فتح الباری، ص ۳۹۹؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۴۰۲؛ تهذیب الکمال، ج ۸، ص ۳۶۶.

۱۹. العلیل، ج ۱، ص ۳۶۴؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۴۰۲.

۲۰. الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۱۴۹.

۲۱. الوافی بالوفیات، ج ۱۳، ص ۲۳۴.

۲۲. رجال الطوسی، ص ۶۹، ش ۶۲۵؛ رجال ابن داود، ص ۱۸۷، ش ۷۶۸.

ماکان مع امیرالمؤمنین من يعرف حقه إلا صعصعة واصحابه.^{۲۳}

کشی هم چنین، خطبه صعصعه را در مسجد کوفه در مذمت معاویه نقل کرده است.^{۲۴} دیگر راوی قبيله عبد القیس و مردم بحرین، ابان بن ابي عیاش است. او از اصحاب امام حسن مجتبی علیه السلام تا امام باقر علیه السلام بوده است.^{۲۵}

بنا بر نقل ابن غضایری، اصحاب وضع کتاب سلیم را به او نسبت داده اند،^{۲۶} که این نوشتار به آن نمی پردازد.^{۲۷}

ابراهیم بن نعیم عبدی (ابوالصبح کنانی) از بزرگان اصحاب، موثق و در طبقه اصحاب امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام دیگر راوی بحرینی است.^{۲۸} شیخ مفید در رساله عددیه، او را در شمار «فقهاء اصحاب»... «والاعلام الرؤساء المأخوذ عنهم الحلال و الحرام و الفتیاء و الاحکام الذین لا یطعن علیهم و لا طریق الی ذم واحد منهم و هم اصحاب الاصول المدونه و المصنفات المشهورة» نام برده است.^{۲۹}

عمر بن اذینه از دیگر چهره های درخشان و بزرگان اصحاب و از ثقات جلیل و از عبد القیس^{۳۰} یا موالیان آنها است.^{۳۱} کشی او را کوفی و موالی عبد القیس دانسته، ولی نجاشی او را «شیخ اصحابنا البصریین و وجههم» و از عبد القیس معرفی نموده است. در مواجهه ای که عمر بن اذینه با ابن ابی لیلیا قاضی بصره دارد، خود را از عبد القیس و نواده عبد الرحمن بن اذینه معرفی می کند.^{۳۲} او هم چنین، در طریق کتاب سلیم بن قیس هلالی، از ابان بن ابي عیاش است.^{۳۳}

مسعدة بن صدقه دیگر راوی بحرینی از اصحاب امام صادق علیه السلام است. برخی او را

۲۳. رجال الکشی، ص ۶۷ - ۶۸، ش ۱۲۲.

۲۴. همان، ش ۱۲۳.

۲۵. رجال الطوسی، ص ۱۲۶، ش ۱۰۶۷ و ص ۱۶۴، ش ۱۲۶۴؛ رجال الکشی، ص ۱۰۴، ح ۱۶۷.

۲۶. رجال ابن الغضائری، ص ۳۶، ش ۱؛ تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۴۹.

۲۷. رک: «کتاب سلیم بن قیس»، فصلنامه علوم حدیث، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۱۶۳ - ۱۷۹.

۲۸. رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۴؛ فهرست الطوسی، ص ۱۲۴، ش ۱۲۳۰.

۲۹. جوابات اهل الموصل، ص ۲۵.

۳۰. رجال النجاشی، ص ۳۸۳، ش ۷۵۲.

۳۱. رجال الطوسی، ص ۳۱۳، ش ۴۶۵۵.

۳۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۹۳.

۳۳. رجال النجاشی، ص ۲۸۳، ش ۷۵۲؛ فهرست الطوسی، ص ۳۲۴، ش ۵۰۴.

بتری دانسته‌اند که باعث تضعیفش از ناحیه برخی رجالی‌ها شده است.^{۳۴} در کتب چهار گانه شیعه بیشتر از دو بیست روایت از وی نقل شده است. گفتنی است که او راوی صحیفه سجادیه نیز هست. می‌دانیم همه روایت‌های موجود صحیفه سجادیه از بهاء الشریف و از طریق وی، از متوکل بن هارون، از یحیی بن زید و امام صادق علیه السلام است. اما چند روایت غیر مشهور نیز وجود دارد که یکی از آنها از مسعدة بن صدقه از امام صادق علیه السلام است.^{۳۵}

معاویه بن عمار دهنی عبدی از راویان پر حدیث و کوفی و ثقة و از بزرگان اصحاب امام صادق علیه السلام است.

نقل و شاگردی افرادی هم چون آدم بن اسحاق اشعری، حسن بن محبوب، حسین بن سعید اهوازی، فضل بن شاذان نیشابوری و ابراهیم بن هاشم قمی از معاویه بن عمار جایگاه او را در میان اصحاب می‌رساند. وی دارای دارای مصنفات زیادی نیز هم چون: کتاب الحج، کتاب الدعاء، کتاب الطلاق و کتاب مزار امیر المؤمنین است. در موضوعات امامت، موعظه، اخلاق، آداب، ادعیه و فقه روایات بسیاری را نقل کرده است و جزء راویان پر روایت محسوب می‌شود.^{۳۶}

عبدالله بن ابی یعفر عبدی کوفی از مردم بحرین، از اجلا و بزرگان روایت و از قاریان و مدرسان قرآن در مسجد کوفه و موثق است و منزلتی نزد امام صادق علیه السلام داشته است. وی سفرهای مختلفی به مدینه داشته و در مجلس امام صادق علیه السلام حضور داشته است.^{۳۷}

راویانی که نام آنها ذکر شد و دیگرانی که جمعشان حدود ۱۲۰ نفر می‌شود، مجموعه راویان بحرینی امامان شیعه را تشکیل می‌دهند. این راویان در کتب چهار گانه حدیثی شیعه و وسائل الشیعه، با احتساب احادیث تکراری، حدود ۷۶۴۴ روایت دارند. که این میزان حدود نه درصد کل روایات شیعی است.

این عده از زمان امیر المؤمنین تا امام عسکری علیه السلام حضور داشته‌اند و دوره اوج آنها، مانند دیگر راویان شیعی، ربع اول قرن دوم و زمان امامت امام صادق علیه السلام بوده است. در

۳۴. رجال الکشی، ص ۳۹۰، ح ۷۳۳؛ رجال البرقی، ص ۳۸؛ رجال الطوسی، ص ۱۴۶، ش ۱۶۰۹.

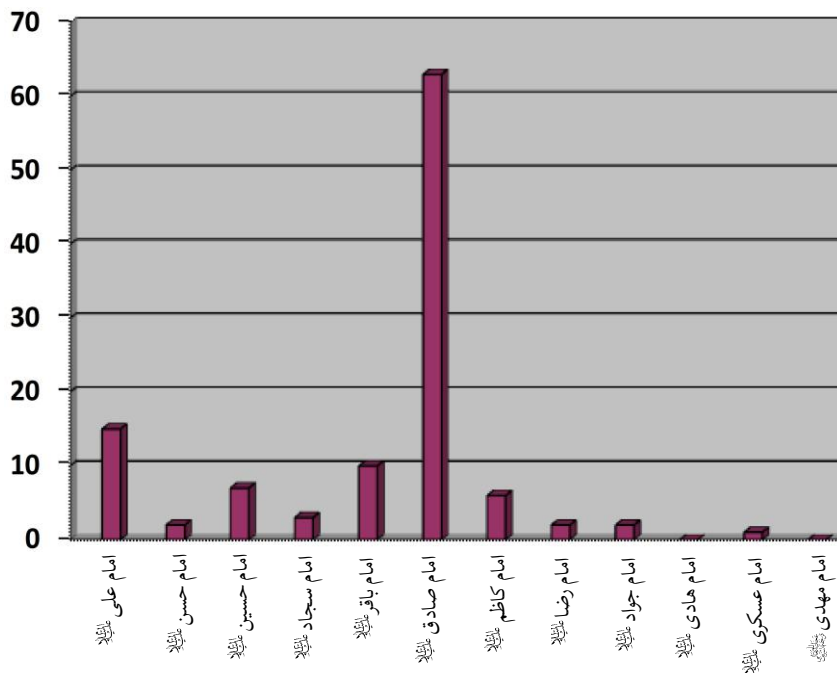
۳۵. الأمالی، مفید، ص ۲۳۹ - ۲۴۴.

۳۶. رجال النجاشی، ص ۴۱۱، ش ۱۰۹۶؛ فهرست الطوسی، ص ۴۶۲، ش ۷۳۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۰۹، ش ۱۲۴۵۷.

۳۷. رجال الطوسی، ص ۲۳۰، ش ۳۱۰۶؛ رجال النجاشی، ص ۲۱۳، ش ۵۵۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۹۶، ش ۶۶۸۰.

این دوره فقط در کوفه پنجاه راوی بحرینی رفت و آمد داشته‌اند. قبل از این، در زمان امیر المؤمنین علیه السلام نیز پانزده راوی بحرینی می‌شناسیم. این مطالب در نمودار (۱) قابل دست‌یابی است.

نمودار (۱) مقایسه میزان راویان بحرینی



۲-۲. روابط راویان بحرینی با دیگر مناطق و حوزه‌های حدیثی

بررسی و نمایاندن روابط حدیثی موجود بین محدثان بحرین با دیگر مناطق، نشان می‌دهد که این حوزه حدیثی، نه یک محیط بسته، بلکه دارای افرادی بوده است که به دلایل مختلف با بیشتر شهرهای اسلامی آباد آن روز رابطه داشته، به آنجا مسافرت کرده و گاهی در آن شهرها اقامت کرده‌اند. مهم‌ترین این شهرها کوفه و بصره هستند که در واقع، دو کانون اصلی تشیع در سده‌های اول هجری بوده‌اند. در این نوشتار فقط به این دو شهر می‌پردازیم.

جمع زیادی از قبيله عبد القیس، بعد از تأسیس کوفه و بصره به این شهر مهاجرت کردند. ماسینیون معتقد است که عبد القیس تحت ریاست زهره بن حویه سعدي تیمیمی

به کوفه آمدند.^{۳۸}

از مصادیق حضور بحرینی‌ها یا به عبارتی عبد القیسی‌ها در کوفه مساجد منسوب به آنهاست. از میان نه مسجد مهم و خوش نام کوفه (با احتساب مسجد جامع) - که به مساجد مبارکه مشهور هستند - سه مسجد منسوب به بنو عبد القیس بوده است. مسجد عبد القیس یا همان مسجد سهله مهم‌ترین آنهاست.^{۳۹} ماسینیون مسجد السهله، مسجد القری و مسجد الظفیر را نام یک مسجد دانسته و معتقد است که این مسجد به مسجد عبد القیس نیز مشهور بوده و در ۲۸۶ق، مقدس و معروف بوده است.^{۴۰}

مسجد صعصعة بن صوحان عبدی بحرانی از دیگر مساجد مهم کوفه است و در شمال غربی کوفه، در محله عبد القیس و در کنار مسجد سهله قرار دارد.^{۴۱} مسجد زید بن صوحان نیز در کنار مسجد سهله، از دیگر مساجد بحرینی‌های مقیم کوفه است.^{۴۲} از آن جا که در صدر اسلام مسجد، محل درس قرآن و حدیث و نقل روایات بوده است، دور از ذهن نیست که راویان بحرینی و صاحبان اصول و مصنفات در این مساجد - که مربوط به قبیله آنها بوده است - به نقل و درس حدیث پرداخته باشند.

راویان عبدی کوفی حدود پنجاه نفر هستند که در میان آنها نام چند نفر از بزرگان به چشم می‌خورد که دارای حجم زیادی از روایات در کتب روایی هستند. این مطلب، جایگاه راویان عبدی کوفه را ممتاز می‌کند. افرادی هم چون: ابراهیم بن نعیم (ابوالصباح کنانی)، ربیع بن عبد الله، عبد الصمد بن بشیر، عبد الله بن ابی یعفر، عمرو بن جمیع و معاویة بن عمار در شمار راویان ائمه علیهم‌السلام از قبیله عبد القیس در کوفه هستند. از همین افراد، بیشتر از چهار هزار روایت در منابع حدیثی شیعه، نقل و گزارش شده است.^{۴۳} این راویان هم چنین، پانزده عنوان کتاب و اثر حدیثی یا به تعبیری اصول و مصنفات داشته‌اند. بصره نیز از شهرهای مهم و مورد توجه بحرانی‌های محدث بوده است. حضور صحابیان مهمی چون ابوموسی اشعری، عمران بن حصین و انس بن مالک و ... در بصره و

۳۸. خطط الكوفة و شرح خريطتها، ص ۱۱.

۳۹. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶.

۴۰. خطط الكوفة و شرح خريطتها، ص ۲۹.

۴۱. کوفه پیدایش شهر اسلامی، ص ۳۵۸ و ۳۶۰.

۴۲. فضل الكوفة و مساجدها، ص ۵۱: المزار، ص ۱۴۳.

۴۳. این آمار با استفاده از نرم افزار نور الدرایه استخراج شده است.

وام‌گیری بصریان از صحابه حجاز این شهر را از پادگان نظامی تبدیل به یک مرکز فرهنگی و معرفتی در برابر کوفه کرد.^{۴۴} با تأسیس این شهر، عده‌ای از مردم بحرین نیز به این منطقه کوچ کردند^{۴۵} که جارود بن معلی عبدی (بزرگ عبد القیس) از این مهاجرین بود.^{۴۶} مسموع کردین از اصحاب بحرینی الاصل و بصری امام صادق علیه السلام در پاسخ امام که از وی از رفتن او به زیارت سید الشهداء سؤال فرموده بودند، گفت: من در میان مردمی هستم که هوادار خلیفه هستند و از شر آنها ایمن نیستم، [که بتوانم با آزادی به زیارت بروم].^{۴۷} تعداد ۲۵ نفر از راویان بحرینی مقیم بصره را می‌شناسیم که برخی از ایشان عبارت‌اند از:

ابان بن ابی عیاش عبدی بصری،^{۴۸} حجاج بن سفیان عبدی بصری،^{۴۹} حکیم بن جبلة عبدی،^{۵۰} خلاس بن عمرو هجری بصری،^{۵۱} ربیع بن عبدالله عبدی بصری،^{۵۲} عمارة بن حوین،^{۵۳} عمر بن اذینه بصری^{۵۴} و مسعدة بن صدقه عسی بصری.^{۵۵} هم‌چنین، شهرهای مدائن،^{۵۶} اهواز،^{۵۷} انبار،^{۵۸} سجستان،^{۵۹} هرات،^{۶۰} شام،^{۶۱} یمن،^{۶۲}

۴۴. رک: مدرسة الحدیث فی البصرة؛ من مشاهیر اعلام البصرة، موسوعة البصرة الحضارة.

۴۵. اللباب فی تهذیب الانساب، ج ۲، ص ۳۶۴.

۴۶. معجم ما استعجم من اسماء البلاد والمواضع، ج ۱، ص ۸۸؛ جغرافیای حافظ ابرو، ج ۱، ص ۲۲۱.

۴۷. کامل الزیارات، ص ۱۰۱.

۴۸. رجال الطوسی، ص ۱۲۶، ش ۱۰۶۷ و ص ۱۶۴، ش ۱۲۶۴؛ رجال الکشی، ص ۱۰۴، ح ۱۶۷.

۴۹. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۴۸ و ج ۲، ص ۶۸۹؛ تعلیقه علی منهج المقال، ص ۱۱۵.

۵۰. انساب الاشراف، ص ۲۲۸؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۳۵، ش ۶۳.

۵۱. اكمال الكمال، ج ۱، ص ۹۹؛ الاصابه، ج ۵، ص ۱۱۹، ش ۶۵۳۱، ذیل نام عمرو بن المنذر (پدر خلاس).

۵۲. رجال النجاشی، ص ۱۶۷، ش ۴۴۱؛ فهرست الطوسی، ص ۱۹۵، ش ۲۹۴.

۵۳. کتاب المجروحین، ج ۲، ص ۱۷۷؛ تهذیب الكمال، ج ۱۵، ص ۹۴، ش ۳۳۳۵.

۵۴. رجال النجاشی، ص ۲۸۳، ش ۷۵۲.

۵۵. رجال الطوسی، ص ۳۰۶، ش ۴۵۲۱.

۵۶. تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۹، ص ۴۳۹.

۵۷. رجال النجاشی، ص ۲۲۷، ش ۵۹۷؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۴۸، ح ۴.

۵۸. رجال الطوسی، ص ۱۸۰، ش ۲۱۵۴.

۵۹. معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۹۶، ش ۶۶۸۰.

۶۰. معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۰۹، ش ۱۲۴۵۷.

۶۱. نهج السعادة، ج ۲، ص ۱۵۱؛ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۵۶۸.

۶۲. تهذیب الكمال، ج ۲، ص ۱۹، ش ۱۴۱.

نیشابور،^{۶۳} کابل،^{۶۴} مدینه^{۶۵} و قم^{۶۶} از مناطقی هستند که برخی از راویان و محدثان بحرینی به نوعی با آنها ارتباط داشته اند و سبب اتصال سنت روایی شیعی به این مناطق بوده اند.

۲-۳. ارتباط با راویان عامه

از مؤلفه‌هایی که در یک حوزه یا مرکز حدیثی می‌توانند مورد توجه و بررسی قرار گیرد، روابط راویان و محدثان آن، با دیگر مذاهب اسلامی است. میزان این روابط و نوع تعادل آنها با دیگران، گویای دیدگاه ایشان در مسائل اجتماعی و تا حدودی کلامی است. در بحرین ارتباط با راویان و محدثان اهل سنت در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام پررنگ‌تر و قابل پی‌گیری‌تر است. برخی از راویان عبدی دارای شاگرد و راوی از عامه هستند و یا خود ایشان از مشایخ اهل سنت روایاتی را نقل کرده‌اند. چند نمونه از این شواهد چنین است:

علی بن مجاهد کابلی کندی - قاضی عامی مذهب ری - را «مولى حکیم بن جبلة عبدی» دانسته‌اند.^{۶۷}

هم‌چنین، هلال بن خباب (راوی مشهور اهل سنت) نیز مولى زید بن صوحان بوده است و در میان راویان و مشایخ زید نیز، از روای عامه زیاد است.^{۶۸}

ابان ابی عیاش عبدی بصری، از ابراهیم بن یزید نخعی، انس بن مالک، حسن بصری و سعید بن جبیر روایت می‌کند و حفص بن جمیع، حفص بن عمر (قاضی عامی مذهب حلب)، سفیان ثوری، فضیل بن عیاض و ابوحنیفه از او نقل دارند که همگی از عامه هستند.^{۶۹}

هم‌چنین، پدر معاویه بن عمار دهنی عبدی، از عامه و دارای گرایش‌های شیعی بوده است.^{۷۰} ربیع بن عبد الله عبدی، نیز - که از مشایخ ابن ابی عمیر و حماد بن عثمان و حماد بن عیسی است و در جلالت او خدشه‌ای نیست و ابو حاتم و نسایی، از رجالیان

۶۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۰۹، ش ۱۲۴۵۷.

۶۴. تهذیب الکمال، ج ۲۱، ص ۱۱۷، ش ۴۱۲۷.

۶۵. اسد الغابة، ج ۳، ص ۲۰؛ اعلام هجر، ج ۲، ص ۱۲۸.

۶۶. معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۱۸، ش ۸۶۹۹ و ج ۱۸، ص ۲۰۹، ش ۱۲۴۵۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۴۷، ح ۸۳۸.

۶۷. تهذیب الکمال، ج ۲۱، ص ۱۱۷، ش ۴۱۲۷.

۶۸. تاریخ الکبیر، ج ۳، ص ۳۹۷، ش ۱۳۲۵؛ الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۵۶۵ و ج ۹، ص ۷۵.

۶۹. تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۱۹، ش ۱۴۱؛ الفائق فی رواة واصحاب الامام الصادق علیه‌السلام، ج ۱، ص ۳۰.

۷۰. رجال النجاشی، ص ۴۱۱، ش ۱۰۹۶.

عامه، او را توثیق کرده‌اند - هم از مشایخ عامه روایت دارد و هم جمعی از شاگردان او اهل سنت هستند.^{۷۱}

در باره مسعدة بن صدقة نیز گفته شده که او عامی و بتری است و اگر امامی هم باشد، از روایان عامی مثل ابن ابی لیلی (قاضی) روایت می‌کند.^{۷۲}

۳. آثار روایی بحرین

۳-۱. اولین سند حدیثی بحرین

ماجرای دیدار گروهی از مردم بحرین با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تاریخ به وفد عبد القیس مشهور است. در تاریخ وقوع وفد عبد القیس در میان مورخین اختلاف زیادی وجود دارد. قبل از فتح مکه،^{۷۳} بعد از فتح مکه، سال پنجم هجرت، سال هشتم هجرت، سال نهم هجرت (سنة الوفود)^{۷۴} و سال دهم،^{۷۵} تاریخ‌هایی است که صاحبان کتاب‌های تاریخ و سیره برای وفد عبد القیس (بحرین) نوشته‌اند.^{۷۶}

خلاصه ماجرای این وفد این گونه بود که منقذ بن حبان از بحرین برای تجارت به مدینه رفت و آمد داشت. او خواهرزاده منذر بن عائذ، معروف به اشجع بود و به سفارش دایی خود، خبر پیامبری محمد صلی الله علیه و آله را پیگیری کرد، به خدمت ایشان رسید و اسلام آورد. سوره فاتحه و اقرء را آموخت و با نامه‌ای از پیامبر برای عبد القیس به بحرین بازگشت. منقذ پس از بازگشت به وطن مدتی این نامه را کتمان کرد، ولی نماز می‌گزارد و مسلمان بود. همسر او قصه را برای پدر خودش - که دایی منذر بود - نقل کرد. منذر اسلام آورد و نامه را از منقذ گرفت و برای مردم خواند.^{۷۷}

با این ترتیب و بر اساس این نقل باید منقذ بن حبان را «اولین محدث» و هم چنین، نامه پیامبر به عبد القیس را «اولین سند حدیثی» بحرین بدانیم.^{۷۸}

۷۱. تهذیب الکمال، ج ۹، ص ۵۷، ش ۱۸۵۱.

۷۲. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۴، ح ۱۹۹۱۳.

۷۳. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۱۴؛ سیرة الحلبيّة، ج ۳، ص ۲۵۱.

۷۴. شرح مسند أبی حنیفه، ص ۴۴۶؛ معجم قبائل العرب، ج ۲، ص ۷۲۷.

۷۵. الثقات، ج ۲، ص ۱۱۵؛ اسد الغابة، ج ۱، ص ۲۶۱.

۷۶. زک: فتح الباری، ج ۸، ص ۶۷؛ شرح مسند أبی حنیفه، ص ۴۴۶.

۷۷. عمدة القاری، ج ۱، ص ۳۰۹؛ شرح مسلم، ج ۱، ص ۱۸۱؛ سبل الهدی والرشاد، ج ۶، ص ۳۷۲.

۷۸. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۸۳.

ابن سعد و در پی او، ابن حجر، همین قصه را نقل کرده‌اند و نام خواهرزاده و داماد و فرستاده اشجع را عمرو بن عبد القیس ثبت کرده‌اند که در سال هجرت به مکه آمد و با پیامبر ملاقات کرد و پیامبر به او فرمود که دایی اش را به اسلام دعوت کند. عمرو بن عبد القیس بازگشت و پیام پیامبر گرامی اسلام ﷺ را به اشجع رسانید.^{۷۹}

ابن حجر در ترجمه مندر بن اشوع عبدی می‌نویسد:

بحرینی‌ها از پیامبر خواستند کتابی و نوشته‌ای برای آنها بنویسد تا در دستشان باشد که بر سایر عرب امتیاز داشته باشند و پیامبر دعوت آنها را اجابت فرمود.^{۸۰}

این مطلب در حالی است که به گزارش ابن سعد، اعضای این گروه در مدت توقف در مدینه، برخی سوره قرآن را آموخته بودند و حتی نزد ابی بن کعب آموزش دیده بودند.^{۸۱}

این دو گزارش نمایان‌گر آن است که پیامبر اکرم ﷺ به مردمی که قرآن را فرا گرفته بودند و تقاضای نوشتن کتاب و نامه‌ای داشتند، نفرمود که قرآن برای شما کافی است! و یا این که مطالب نامه با قرآن مخلوط می‌شود! و یا مردم به مطالب کتاب مشغول می‌شوند و از قرآن باز می‌مانند!

۲-۳. آثار حدیثی بحرین در عصر حضور

شناسایی آثار و مکتوبات حدیثی راویان و محدثان متقدم بحرین از مؤلفه‌های بسیار اساسی در تعریف و تحلیل این حوزه حدیثی است. از خلال این آثار می‌توان تلاش محدثان این مرکز را در انتقال میراث شیعه شناخت و نمایاند.

در اصول و کتب حدیثی، با موضوعات مختلف، می‌توان به کتاب اخبار صعصعة بن صوحان، از عبد العزیز بن یحیی جلودی ازدی بصری،^{۸۲} کتاب از ابو الصباح کُنانی،^{۸۳} کتاب از ابن ابی مقبله (ابراهیم بن خالد عطار عبدی)،^{۸۴} اصل از ربیع بن عبد الله بن

۷۹. الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۸۴؛ الاصابه، ج ۳، ص ۳۳۰.

۸۰. الاصابه، ج ۶، ص ۱۶۹.

۸۱. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۱۵ و ج ۵، ص ۵۵۸.

۸۲. رجال النجاشی، ص ۲۴۴، ش ۶۴۰.

۸۳. رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۴؛ فهرست الطوسی، ص ۵۲۵، ش ۲۴.

۸۴. فهرست الطوسی، ص ۲۳، ش ۲۵؛ رجال النجاشی، ص ۲۵، ش ۴۱.

جارود عبدی بصری^{۸۵} و کتاب از عبد الله بن ابی یعفور^{۸۶} اشاره نمود.

برخی آثار راویان عصر حضور ائمه علیهم السلام به فقه مآثور اختصاص دارد؛ مانند: کتاب الطهارة از بکر بن احمد بن ابراهیم بن یزید الاشجع^{۸۷}، کتاب الفرائض از عمر بن اذینه^{۸۸}، کتاب الحج از معاویة بن عمار دهنی عبدی^{۸۹} و ...

کتاب الدعاء و هم چنین، کتاب مزار امیر المؤمنین از معاویة بن عمار دهنی عبدی نیز در موضوع دعا و زیارات بوده است.^{۹۰}

قابل ذکر است که بر اساس جست و جوی نویسنده، ۳۵ عنوان اصل و مصنف حدیثی از راویان بحرانی در کتب رجال گزارش شده است که این رقم نشان دهنده اهتمام این راویان به کتابت و انتقال تراث روایی است.

۳-۳. گونه شناسی روایات

راویان عبدی و بحرینی شیعی، مانند همه روات، دارای مشرب و سلیقه یکسان نبوده اند؛ به عنوان مثال، برخی از آنها به نقل مباحث کلامی علاقه بیشتری نشان داده اند. این راویان را باید محدثان روایات کلامی و یا با تسامح، محدثان متکلم نامید. شاخصه های متکلم بودن این راویان را باید: شاگردی یا ارتباط با متکلمان نظریه پرداز، توان مناظره، نقل روایات کلامی، پرسش هایی از ائمه حول مباحث اعتقادی و ... قلمداد نمود؛^{۹۱} به عنوان نمونه، صعصعة بن صوحان عبدی از اصحاب ممتاز و روات متکلم امیر المؤمنین علیه السلام بوده است.^{۹۲} مرحوم سید حسن صدر، صعصعه را از متکلمان شیعه به شمار آورده است.^{۹۳} او راوی خطبه ای از امیر المؤمنین، در موضوع توحید باری و وصف

۸۵. رجال النجاشی، ص ۱۶۷، ش ۴۴۱.

۸۶. معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۱۰۲، ش ۶۶۸۰.

۸۷. رجال النجاشی، ص ۱۰۹ - ۱۱۰، ش ۲۷۸؛ معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۳۴۲، ش ۱۸۳۲.

۸۸. رجال الطوسی، ص ۳۱۳، ش ۴۶۵۵؛ رجال النجاشی، ص ۲۸۳، ش ۷۵۲.

۸۹. رجال النجاشی، ص ۴۱۱، ش ۱۰۹۶؛ رجال الکشی، ص ۳۰۸، ح ۵۵۷.

۹۰. رجال النجاشی، ص ۴۱۱، ش ۱۰۹۶.

۹۱. برای بررسی این شاخصه ها ر. ک: «مدرسه کلامی کوفه»، اکبر اقوام کرباسی، نقد و نظر، سال هفدهم، ش ۱، پیایی ۶۵ و «مدرسه کلامی قم»، سید حسن طالقانی، نقد و نظر، سال هفدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱.

۹۲. رجال الطوسی، ص ۶۹، ش ۶۲۵؛ خلاصة الاقوال، ص ۸۹.

۹۳. تأسیس الشیعة لفتون الاسلام، ص ۳۵۵.

خداوند و نفی تشبیه است^{۹۴} و روایتی را در تصریح به عدد ائمه دوازده گانه نقل کرده است.^{۹۵}

از دیگر افراد این قبیله - که صبغه کلامی داشته - زید بن صوحان عبدی، صحابی پیامبر^{۹۶} و از اصحاب خاص امیرالمؤمنین علیه السلام است.^{۹۷} محاجه او با عایشه در جمل معروف است.^{۹۸ و ۹۹}

دسته دیگری از راویان به مباحث فقهی اقبال نشان داده‌اند و یا صاحب اصول و مصنفاً در این حوزه بوده‌اند. خلاس بن عمرو هجری بصری را ابن ماکولا با عبارت «کان فقیهاً من اصحاب علی بن ابی طالب» یاد کرده است.^{۱۰۰} یا شیخ مفید ابوالصباح کنانی و عبد الله بن ابی یعفر را در شمار فقهای اصحاب نام برده است.^{۱۰۱}

بررسی این گرایش‌ها می‌رساند که فقه، راویان فقهی و تألیف اصولی در موضوعات مربوط به احکام رده اول، نشان از توجه و اهمیت در میان روات عبد القیسی دارد. بعد از آن، کلام و موضوعات اعتقادی و روایات مذهبی توجه این محدثان را به خود جلب کرده است و سپس حوزه مناقب و نقل فضایل ائمه علیهم السلام قرار دارد. برخی از راویان بحرینی هم، به تبع جایگاه قبیله خود - که معروف به شعر و بلاغت بوده‌اند - به تألیف در حوزه خطب و اشعار مبادرت کرده‌اند. گزارش این مطلب در نمودار زیر آمده است.

۹۴. التوحید، ص ۷۸.

۹۵. کمال الدین، ج ۱، ص ۷۸.

۹۶. برخی در این که او از صحابه است یا تابعین، تردید کرده‌اند (ر.ک: الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۱۲۶؛ اسد الغابۃ، ج ۲، ص ۲۳۳).

۹۷. الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۱۲۶.

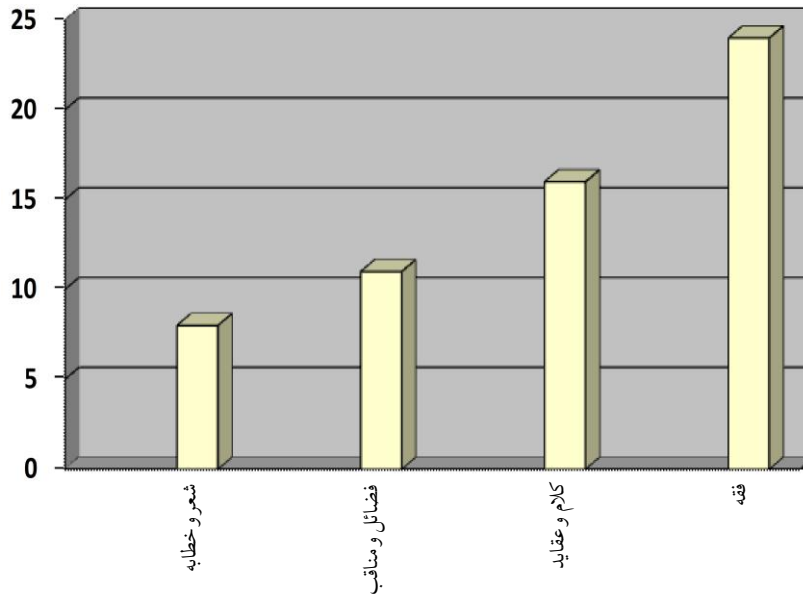
۹۸. شرح الاخبار، ج ۱، ص ۳۷۹.

۹۹. از دیگر راویان تراث کلامی شیعی از مردم بحرین، عمر بن اذینه، سفیان بن مصعب عبدی کوفی، ابوهارون عبدی و... را می‌توان برشمرد.

۱۰۰. اکمال الکمال، ج ۱، ص ۹۹؛ الانساب، ج ۲، ص ۲۸۵.

۱۰۱. جوابات اهل الموصل، ص ۲۵.

نمودار (۲) گونه‌شناسی روایات



جمع بندی

فعالیت حدیثی به معنای نقل میراث روایی در بحرین، از همان آغاز عصر اسلامی شروع شده و در زمان حضور ائمه علیهم‌السلام در سه سده اول هجری ادامه داشته و در عصر امام صادق علیه‌السلام نیز به اوج رسیده است. در این فاصله زمانی، اصحاب و یاران بحرینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر المؤمنین و امامان شیعه علیهم‌السلام، به خصوص از قبیله بزرگ قبیله عبد القیس - که از طوایف شیعی بحرین بوده‌اند - قابل بازشناسی هستند. ۱۲۰ راوی بحرینی با بیش از هفت هزار روایت در موضوعات مختلف، و پانزده اصل و مصنف حدیثی و هم‌چنین، حضور راویان عبد القیسی در دو مرکز پرتحرک حدیثی شیعی، یعنی کوفه و بصره، سهم قابل توجه آنها را در گسترش معارف مکتب اهل بیت نشان می‌دهد.

کتابنامه

- «تشیع و پیشینه آن در بحرین»، مهدی سلیمانی آشتیانی، شیعه شناسی، تابستان ۱۳۹۲.
- «مدرسه کلامی قم»، سید حسن طالقانی، نقد و نظر، سال هفدهم، شماره اول، پیاپی ۶۵، بهار ۱۳۹۱.

- «مدرسه كلامى كوفه»، اكبر اقوام كرباسى، نقد ونظر، سال هفدهم، شماره اول، پياپى ۶۵، بهار ۱۳۹۱.
- اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، ابو جعفر محمد بن حسن طوسى (م ۴۶۰ ق)، تحقيق: سيد مهدي رجائي، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۲ ش.
- أسد الغابة فى معرفة الصحابة، على بن أبى كرم محمد شيبانى (ابن أثير جزرى) (م ۳۰ ق)، تحقيق: على محمد معوض وعادل أحمد عبد الموجود، بيروت: دار الكتب العلمية، أول، ۱۴۱۵ ق.
- الإصابة فى تمييز الصحابة، أحمد بن على عسقلانى (ابن حجر) (م ۸۵۲ ق)، تحقيق: عادل أحمد عبد موجود و على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، أول، ۱۴۱۵ ق.
- الإعتقادات وتصحيح الإعتقادات، أبو جعفر محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، معروف به شيخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، تحقيق: عاصم عبد السيد، قم: المؤتمر العالمى لألفية شيخ مفيد، أول، ۱۴۱۳ ق.
- اعلام هجر من الماضين والمعاصرين، هاشم محمد الشخص، بيروت: مؤسسة ام القرى، ۱۴۱۶ ق.
- إكمال الكمال، أمير حافظ ابن ماكولا (م ۴۷۵ ق)، تحقيق ونشر: دار إحياء التراث العربى. بيروت.
- الأمالى، ابو جعفر محمد بن حسن طوسى عليه السلام (م ۴۶۰ ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۴ ق.
- الأمالى، أبو جعفر محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه، معروف به شيخ صدوق عليه السلام (م ۳۸۱ ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة البعثة، قم، أول، ۱۴۱۷ ق.
- الإمامة والتبصرة من الحيرة، على بن حسين بن بابويه، تحقيق: سيد محمد رضا حسيني، بيروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۳۶۵ ش.
- أنساب الأشراف، أحمد بن يحيى بن جابر بلاذرى (م ۲۷۹ ق)، تحقيق: سهيل زكارو رياض زركلى، بيروت: دار الفكر، أول، ۱۴۱۷ ق.
- الأنساب، عبدكريم بن محمد سمعانى (م ۵۶۲ ق)، تحقيق: عبد الله عمر بارودى، بيروت: دار الجنان.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقى مجلسى

- (علامة مجلسى) (م ۱۱۱۱ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.
- تاريخ ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (م ۸۰۸ق)، بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ۱۳۹۱ق.
- تاريخ الطبرى (تاريخ الأمم والملوك)، محمد بن جرير طبرى (م ۳۱۰ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مصر: دار المعارف.
- تاريخ الكوفة، حسين براقى، ترجمه: سعيد راد رحيمى، مشهد: آستان قدس رضوى، ۱۳۸۱ش.
- التاريخ الكبير، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بخارى (م ۲۵۶ق)، تحقيق: معلمى يمانى، بيروت: دار الفكر، ۱۴۰۷ق.
- تاريخ مدينة دمشق، أبو قاسم على بن حسن بن هبة الله، معروف به ابن عساكر دمشقى (م ۵۷۱ق)، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۵ق.
- تأسيس الشيعة لفنون الاسلام، حسن صدر، (م ۱۳۵۴ق)، كاظمين: دار الكتب، ۱۳۷۰ق.
- تعليقة على منهج المقال (الفوائد الرجالية)، وحيد بهبهانى (م ۱۲۰۵ق)، تحقيق: حفيد المصتف.
- التوحيد، أبو جعفر محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى، معروف به شيخ صدوق (م ۳۸۱ق)، تحقيق: هاشم حسيني طهرانى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ۱۳۹۸ق.
- تهذيب الأحكام فى شرح المقنعة، محمد بن حسن طوسى (شيخ طوسى) (م ۴۶۰ق)، بيروت: دار التعارف، أول، ۱۴۰۱ق.
- تهذيب التهذيب، أحمد بن على عسقلانى (ابن حجر) (م ۸۵۲ق)، تحقيق: خليل مامون شيخا و عمر سلاحي و على بن مسعود، بيروت: دار المعرفة، أول، ۱۴۱۷ق.
- تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، يونس بن عبد الرحمان مزى (م ۷۴۲ق)، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، أول، ۱۴۰۹ق.
- تهذيب اللغة، محمد بن احمد ازهرى، قاهره: الدار مصرية للتأليف والترجمة، ۱۳۸۷ق.
- الثقات، أبو حاتم محمد بن حبان بستى (ابن حبان) (م ۳۵۴ق)، تحقيق: عبد المعيد، حيدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية، اول، ۱۳۹۳ق.
- الجرح والتعديل، أبو محمد عبد الرحمن بن أبى حاتم رازى (م ۳۲۷ق)، تحقيق ونشر: دار إحياء التراث العربى، بيروت، أول، ۱۳۷۱ق.
- جغرافياى حافظ ابرو، عبد الله خوافى (حافظ ابرو)، تهران: نشر ميراث مكتوب، ۱۳۷۵ش.

- جمهرة النسب، هشام بن محمد بن سائب كلبى، بيروت: عالم الكتب و مكتبة النهضة العربية، ١٩٨٦م.
- جوابات اهل الموصل، محمد بن محمد مفيد (٣٣٦ - ٤١٣ق)، بيروت: دارالمفيد، ١٤١٤ق.
- الخرائج والجرائح، أبو حسين سعيد بن هبة الله راوندى (قطب الدين راوندى) (م ٥٧٣ق)، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، ١٤٠٩ق.
- الخراج وصناعة الكتابة، قدامة بن جعفر، بغداد: دار الرشيد للنشر، ١٩٨١م.
- خزائن الأدب، عبد القادر بن عمر بغدادى (م ١٠٩٣ق)، تحقيق: محمد نبيل طريفى، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٩٩٨م.
- خطط الكوفه و شرح خريطتها، لوئى ماسينيون، صيدا، ١٣٦٥ق.
- خلاصة الأقوال فى معرفه الرجال، حسن بن يوسف حلّى، تحقيق: جواد قيومى، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، ١٤١٧ق.
- دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، نعمان بن محمد تميمى مغربى (قاضى أبو حنيفه) (م ٣٦٣ق)، تحقيق: آصف بن على أصغر فيضى، مصر: دار المعارف، ١٣٨٩ق.
- دلائل الإمامة، أبو جعفر محمد بن جرير طبرى امامى (قرن پنجم هجرى)، تحقيق: مؤسسه البعثة، قم: مؤسسه البعثة، ١٤١٣ق.
- رجال ابن داوود، حسن بن على حلّى (م ٧٣٧ق)، تحقيق: محمد صادق آل بحر العلوم، قم: منشورات الشريف الرضى، ١٣٩٢ق.
- رجال البرقى، أحمد بن محمد برقى كوفى (م ٢٧٤ق)، تهران: دانشگاه تهران، اول، ١٣٤٢ش.
- رجال الطوسى، محمد بن حسن طوسى (م ٤٦٠ق)، تحقيق: جواد قيومى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، اول، ١٤١٥ق.
- رجال النجاشى (فهرس أسماء مصنفى الشيعة)، أحمد بن على نجاشى (م ٤٥٠ق)، بيروت: دار الأضواء، اول، ١٤٠٨ق.
- الرجال، احمد بن حسين ابن غضائرى، تحقيق: محمد رضا حسينى جلالى، قم: دارالحديث، ١٤٢٢ق.
- سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، محمد بن يوسف صالحى شامى (م ٩٤٢ق)،

- تحقیق: أحمد عبد الموجود ومحمد معوض، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٤ق.
- السيرة الحلبية، على بن برهان الدين حلبى شافعى (م١٠٤٤ق)، بيروت: دار الاحياء التراث العربى - دارالمعرفة، ١٤٠٠ق.
- شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار، نعمان بن محمد مصرى (قاضى أبو حنيفة) (م٣٦٣ق)، تحقيق: سيد محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، أول، ١٤١٢ق.
- شرح مسلم، نووى (م٦٧٦ق)، بيروت، دارالكتاب العربى، ١٤٠٧ق.
- شرح مسند ابى حنيفة، مع شرح ملا على قارى حنفى، بيروت: دارالكتب العلمیه، ١٤٠٤ق.
- الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، إسماعيل بن حماد جوهري (م٣٩١ق)، تحقيق: أحمد بن عبد الغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، چهارم، ١٤١٠ق.
- الصحاح، إسماعيل بن حماد جوهري (م٣٩٣ق)، تحقيق: عبد الغفور عطار، تهران: انتشارات اميرى، افست از طبع دار العلم للملايين.
- صفة جزيرة العرب، حسن بن أحمد اله مدانى، تحقيق: محمد بن على أكوع، بغداد: دارالشؤون العامة، ١٩٨٩م.
- الطبقات الكبرى (الطبقة الخامسة من الصحابة)، محمد بن سعد زهرى (كاتب الواقدي) (م٢٣٠ق)، تحقيق: محمد بن صامل السلمى، بيروت: دار صادر و طائف: مكتبة الصديق، ١٤١٤ق.
- العلل، احمد بن حنبل (م٢٤١ق)، تحقيق: وصى الله، بيروت: المكتب الاسلامى، ١٤٠٨ق.
- علماء البحرين دروس وعبر، عبد العظيم مهتدى بحراني، بيروت: مؤسسه البلاغ، ١٩٩٤م.
- عمدة القارى، ابى محمد محمود بن احمد عینی، بيروت: دارالكتب العلمیه، ١٤٢١ق.
- الغارات، إبراهيم بن محمد (ابن هلال ثقفى) (م٢٨٣ق)، تحقيق: مير جلال الدين محدث أرموى، تهران: انجمن آثار ملی، چهارم، ١٣٩٥ق.
- الفائق فى رواة واصحاب الإمام الصادق عليه السلام، عبد الحسين شبستري، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤١٨ق.
- فتح البارى، أحمد بن على عسقلانى (ابن حجر) (م٨٥٢ق)، تحقيق: عبد العزيز عبد الله بن باز، بيروت: دار الفكر، ١٣٧٩ق.
- فتوح البلدان، أبو الحسن أحمد بن يحيى بلاذرى (م٢٧٩ق)، تحقيق: عبد الله وعمر

- أنيس الطباع، بيروت: مؤسسة المعارف، ١٤٠٧ق.
- فضل الكوفة ومساجدها، محمد بن جعفر مشهدي حائري، تحقيق: محمد سعيد الطريحي، بيروت: دارالمرتضى.
- فهرست الطوسي، محمد بن حسن طوسي (م٤٦٠ق)، تحقيق: جواد قيومي، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ١٤١٧ق، أول.
- كامل الزيارات، أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه قمى (م٣٦٨ق)، تحقيق: جواد قيومي، الفقاهة، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، أول، ١٤١٧ق.
- الكامل فى التاريخ، على بن محمد شيبانى موصلى (ابن أثير) (م٦٣٠ق)، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، أول، ١٤٠٨ق.
- كتاب العين، خليل بن أحمد فراهدى (م١٧٥ق)، تحقيق: مهدي مخزومى، قم: دار الهجرة، أول، ١٤٠٩ق.
- كتاب المجروحين: ابن حبان (٣٥٤)، محمود ابراهيم زايد، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٢ق.
- كمال الدين وتمام النعمة، أبو جعفر محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى (شيخ صدوق) (م٣٨١ق)، تحقيق: على أكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، أول، ١٤٠٥ق.
- كوفه پيدایش شهر اسلامى، هشام جعيط، ترجمه: ابوالحسن سروقده مقدم، مشهد: آستان قدس رضوى، ١٣٧٢ش.
- لباب الأنساب والألقاب والأعتاب، أبو الحسن على بيهقى (ابن فندق)، قم: مكتبة آية الله سيد مرعشى نجفى، ١٤١٠ق.
- المنزار، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى بغدادى (شيخ مفيد) (م٤١٣ق)، تحقيق: محمد باقر أبطحى، قم: المؤتمر العالمى لألفية شيخ مفيد، أول، ١٤١٣ق.
- المعارف، أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة ديبورى (م٢٧٦ق)، تحقيق: ثروت عكاشة، القاهرة: دارالمعارف.
- معجم البلدان، ياقوت بن عبد الله حموى رومى (م٦٢٦ق)، بيروت: دار إحياء التراث العربى، أول، ١٣٩٩ق.
- معجم رجال الحديث، سيد أبو القاسم بن على أكبر موسوى خويى (م١٤١٣ق)، قم: منشورات مدينة العلم، ١٤٠٣ق.
- معجم قبائل العرب، عمر رضا كحاله، دمشق: مطبعة الهاشميه، ١٣٦٨ق.

- معجم ما استعجم، عبد الله بن عبد العزيز بكري (م ٤٨٧ق)، تحقيق: مصطفى سقا، بيروت: عالم الكتب، سوم، ١٤٠٣ق.
- معجم مقاييس اللغة، أحمد بن فارس (م ٣٩٥ق)، مصر: شركة مكتبة مصطفى البابي وأولاده.
- ميزان الاعتدال في نقد الرجال، أبو عبد الله محمد بن أحمد ذهبي (م ٧٤٨ق)، تحقيق: علي محمد بجاوي، بيروت: دار المعرفة، ١٣٨٢ق.
- نهج السعادة في مستدرک نهج البلاغة، محمد باقر محمودي (معاصر)، بيروت: مؤسسة الأعلمی.
- الوافي بالوفيات، خليل بن أبيك صفدي (م ٧٤٩ق)، ويسبادن (ألمان): فرانزشتاينر، دوم، ١٣٨١ق.
- وسائل الشيعة، شيخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م ١١٠٤ق)، تحقيق ونشر: مؤسسة آل البيت، قم، ١٤١٤ق.